



اگر جای توخل و ناگلزمن بودید چه می گفتید؟

رزومه نداری، انتقاد نکن!

گزارش یک

محمد قراگزلو

خبرنگار

امیر قلعه‌نویی سه هفته بعد از بازگشت از مکزیک بالاخره در یک برنامه زنده تلویزیونی حاضر شد و نزدیک به سه ساعت درباره مشکلات و موانع و نکات فنی تیم ملی در جام جهانی حرف زد. بخش عمده صحبت های قلعه‌نویی در این برنامه واگویی مشکلات لجستیکی مربوط به آماده‌سازی، سفر به مکزیک و اذیت و آزارهایی بود که میزبان علیه تیم ایران انجام داد. نکاتی که دو روز قبل از آن نیز در نشست با اعضای کمیته فرهنگی فدراسیون تا حدود زیادی مطرح شده و تکراری بود.

امیر قلعه‌نویی نکات بسیاری در این برنامه مطرح کرد که می‌شود درباره تک تک‌شان با جزئیات و به صورت مفصل بحث کرد. از ماجرای پاداش صعود و توزیع آن بین بازیکنان و سرمربی گرفته تا تک تک نکات فنی مربوط به سه مسابقه تیم ایران. البته که این برنامه اصلاً تبدیل به یک برنامه چالشی برای سرمربی تیم ملی نشد. او از ابتدا خطاب خود را مردم ایران قرار داد و رو به دوربین با مردم صحبت کرد تا مشخص شود اساساً مجری برنامه قرار نیست با طرح سؤال‌های پرشمار و پیکنیکی، قلعه‌نویی را وارد چالش کند. اشاره او به مجری که «شما که همه اینها را می‌دانی و مردم باید خبردار شوند» نیز در همین راستا مطرح شد.

قلعه‌نویی در کمال آرامش و با اطلاع از موضع برنامه‌ای که در آن حاضر شده بود در بیشتر جلسه سه ساعته متکلم‌وحده بود و نکات خود را بی‌کم و کاست مطرح کرد. در بسیاری از موارد نیز مجری برنامه با او همراهی و همذات‌پنداری کرد و نکاتش را پذیرفت و تنها در یکی دو مورد جزئی فنی حرف سرمربی را نپذیرفت تا فرم برنامه خیلی هم مصنوعی به نظر نرسد. به عبارتی در این سه ساعت، قلعه‌نویی تمام نکات مدنظر خود که بخش عمده از آنها تکراری بود را گفت و تشریح کرد بدون اینکه مقاومتی در پذیرش برخی از توجیهاتش به وجود بیاید. جالب اینکه از بین پرسش‌های پرشمار مردم نیز تنها سه چهار سؤال به صورت رندوم از سرمربی تیم ملی پرسیده شد که البته یکی دو تای آن باعث شد تا قلعه‌نویی کمی

عصبانی شود. اما جدا از روال این برنامه و توضیحات ناکافی قلعه‌نویی در توجیه دلایل ناکامی تیم ملی، او همچنان نپذیرفت که حذف شدن از جام جهانی حتی بدون شکست و دستاوردهایی که خودش روی آن تأکید دارد یک ناکامی ورزشی است و رسانه و کارشناس حق دارد تا به خاطراین ناکامی، عوامل رقم خوردن آن را با در نظر گرفتن تمام موانع و مشکلات نقد کند.

آنچه در این برنامه دوباره به شکل گل درشت در خصوص سرمربی تیم ملی بیرون زد و ثابت شد او نمی‌خواهد در این خصوص رویه‌اش را تغییر دهد، نحوه مواجهه‌اش با نقد و فضای انتقادی بود. قلعه‌نویی باز هم در این برنامه چندین بار به ماجرای



جدا از روال این برنامه و توضیحات ناکافی قلعه‌نویی در توجیه دلایل ناکامی تیم ملی، او همچنان نپذیرفت که حذف شدن از جام جهانی حتی بدون شکست و دستاوردهایی که خودش روی آن تأکید دارد یک ناکامی ورزشی است و رسانه و کارشناس حق دارد تا به خاطراین ناکامی، عوامل رقم خوردن آن را نقد کند

نقدهای بعد از جام ملت‌های ۲۰۰۷ اشاره کرد به شکلی که انکار آنچه در آن روزها بر وی گذشته بزرگترین کابوس زندگی ورزشی‌اش به شمار می‌آید و همین باعث شده نگاهش نسبت به رسانه‌های منتقد و افراد نقدکننده تغییر کند. در برنامه دوشنبه شب فوتبال برتر بار دیگر مشخص شد امیر قلعه‌نویی در ۶۳ سالگی و در برنامه دوشنبه شب فوتبال برتر بار دیگر مشخص شد امیر قلعه‌نویی در ۶۳ سالگی و در شرایطی که چهار سال و چهار ماه از دوران دوم سرمربیگری‌اش در تیم ملی می‌گذرد هنوز مقابل نقد و انتقاد گارد دارد و اصلاً این فضا را تاب نمی‌آورد. قلعه‌نویی در حالی منتقدانش را گلچین می‌کند که در فوتبال سطح اول دنیا مربیان بزرگی مثل توماس توخل یا یولین ناگلزمن قبل و حین تورنمنت، در کنفرانس

قبل و بعد از مسابقه و پس از تورنمنت مدام با نقدهای تند مواجه می‌شوند و البته غالباً حتی اگر خشمگین شوند دنبال پاسخی منطقی برای مخاطب خود هستند و خشم‌شان را فرو می‌خورند. جالب اینکه قلعه‌نویی مدام تأکید می‌کند که منتقدان باید صبر می‌کردند تا کار تیم ملی در تورنمنت تمام شود و بعد انتقاد کنند؛ مسأله اشتباهی که به غلط جا افتاده چرا که کافی است مثلاً رسانه‌های انگلیسی را مرور کنید و ببینید چطور تیمی که تا نیمه‌نهایی صعود کرده و در نهایت به رتبه سوم دست یافته در تمام طول مسابقات با نقدهای تند فنی و غیرفنی مواجه شده و می‌شود. حال با در نظر گرفتن فضای

غالب بر رسانه‌ها و نوع مواجهه‌شان با تیم ملی و سرمربی‌اش سؤال اینجاست که اگر قلعه‌نویی در جایگاه افرادی مثل توخل، ناگلزمن، دشان، اسکالونی، کومان یا هر کدام از این مربیانی که حذف شدند و استعفا دادند یا برکنار شدند، قرار می‌گرفت چه می‌گفت؟ جدا از این، سرمربی تیم ملی مدام به رزومه افراد منتقد اشاره می‌کند و همچنان معتقد است تنها افرادی مثل ابراهیم قاسمپور عزیز و بزرگان دیگر صحبت نکنند، پس از او و تصمیماتش انتقاد کنند و بقیه حق انتقاد ندارند. نکته‌ای که غیر قابل پذیرش و عجیب به نظر می‌رسد و بعید است مربی دیگری در فوتبال دنیا و در این سطح تکرارش کند.

قلعه‌نویی مدام می‌گوید قبل از جام جهانی فقط ۳ مربی و کارشناس در جلسه با او حاضر شدند و حین و بعد از جام جهانی هم دو سه کارشناس مثل حمید جلالی، بهتاش فریبا و فرشاد پیوس با او تماس داشتند اما نمی‌داند که ریشه این دور شدن از جامعه مربیان و کارشناسان را باید در افکار و رفتار خودش جست و جو کند. در واقع وقتی او منتقدانش را گلچین می‌کند و حرف همه را پذیرا نیست طبیعتاً دایره مشاورانش را تنگ‌تر و کوچک‌تر کرده و برعکس تعداد منتقدانش را بیشتر می‌کند و حتی اگر نقدهای ایشان اصولی و منطقی باشد نیز - درست مثل آنچه در مورد انتقاد حمید استیلی مطرح کرده - حاضر نیست آنها را بپذیرد.

عکس: قراقرز اسپور فوتبال

گزارش

اعتراف ناخোسته به یک اشتباه تاکتیکی؟

ساختار دفاعی بازی نیوزیلند مشکل داشت

امیر قلعه‌نویی مدام تأکید می‌کند که اشتباهات را می‌پذیرد و شاید هم اشتباه کرده باشد اما عملاً مقابل هر انتقاد فنی گارد می‌گیرد و توجیهاتی را مطرح می‌کند که غالباً قانع‌کننده نیست. یکی از این موارد مربوط به نکات فنی است که در بازی با نیوزیلند اتفاق افتاد و مسابقه‌ای که اگر با برد برای تیم ملی همراه می‌شد صعود از مرحله گروهی در دسترس به نظر می‌رسید.

با اینکه موارد زیادی درباره علل حذف تیم ملی از جام جهانی مطرح شده اما پرونده نخستین بازی تیم ما در این تورنمنت هنوز بسته نشده است. نه به خاطر نتیجه ۲-۲ مقابل نیوزیلند، بلکه به دلیل سندی که خود کادر فنی منتشر کرده است؛ گزارشی تحلیلی از عملکرد دفاعی ایران در سه مسابقه مرحله گروهی که شاید مهم‌ترین سؤال فنی پس از جام جهانی را دوباره زنده می‌کند. در یکی از اسلایدهای این گزارش جمله‌ای دیده می‌شود که بیش از هر نمودار و عددی جلب توجه می‌کند: «شکل دفاعی متفاوت در بازی اول، از عوامل مؤثر در دریافت دو گل مقابل نیوزیلند بود.»

شاید این جمله در نگاه اول یک توضیح فنی ساده به نظر برسد اما در واقع می‌تواند مهم‌ترین اعتراف کادر فنی درباره نخستین مسابقه ایران در جام جهانی باشد زیرا منشا مشکل را نه اشتباه فردی، نه کیفیت حریف و نه بدشانسی، بلکه انتخاب یک ساختار تاکتیکی معرفی می‌کند؛ ساختاری که پیش از شروع مسابقه طراحی شده بود.

وقتی اعداد، داستان را کامل می‌کنند

اگر این جمله تنها بخش گزارش بود، شاید می‌شد آن را یک برداشت فنی معمولی دانست اما اسلاید منتشرشده به همین جا ختم نمی‌شود. کادر فنی برای اثبات ادعای خود، مجموعه‌ای از داده‌های آماری را نیز منتشر کرده که نشان می‌دهد بعد از بازی با نیوزیلند، ساختار دفاعی تیم ملی تغییر کرده است. طبق این آمار، میانگین ارتفاع خط دفاع ایران در دیدار نخست ۵۳ متر بوده است؛ عددی که در بازی دوم به ۴۵ متر و در دیدار سوم به ۳۹ متر رسید. در مورد بازی اول، به ۲۷ متر سپس ۲۱ متر تغییرات باعث کنترل بهتر فضای میانی، کاهش فضای پشت مدافعان، کاهش ضدحمله‌ات حریف و بهبود عملکرد دفاعی شده است. به زبان ساده، خود کادر فنی می‌گوید هرچه تیم فشرده‌تر بازی کرده و خط دفاع عقب‌تر قرار گرفته، عملکرد دفاعی ایران هم بهتر شده است.

یک سؤال که نمی‌توان از کنار آن گذشت

همین جا مهم‌ترین پرسش شکل می‌گیرد: اگر این تغییرات توانسته ساختار دفاعی تیم را بهبود ببخشد، چرا از همان مسابقه نخست اجرا نشد؟ این سؤال از آن جهت اهمیت دارد که موضوع، یک تعویض یا تصمیم لحظه‌ای کنار زمین نیست. ارتفاع خط دفاع، فاصله خطوط و نحوه استقرار تیم، بخشی از مدل بازی هستند؛ تصمیم‌هایی که معمولاً روزها و حتی هفته‌ها پیش از مسابقه، در جلسات فنی و تمرینات طراحی و مرور می‌شوند. به همین دلیل، اسلاید منتشرشده این تصور را ایجاد می‌کند که کادر فنی پس از بازی با نیوزیلند به این جمع‌بندی رسیده که ساختار دفاعی اولیه نیاز به اصلاح داشته است.

جام جهانی، جای آزمون و خطا نیست

البته هر کادر فنی حق دارد در طول یک تورنمنت، تیمش را اصلاح کند. حتی بزرگ‌ترین مربیان دنیا نیز بعد از هر مسابقه، با توجه به شرایط بازی و ویژگی‌های حریف، تغییراتی در سیستم خود ایجاد می‌کنند اما تفاوت جام جهانی با مسابقات عادی در فرصت محدود آن است. در رقابتی که تنها سه مسابقه برای تعیین سرنوشت یک تیم وجود دارد، هر تصمیم اشتباه می‌تواند بهای سنگینی داشته باشد. به همین دلیل، تیم‌ها تلاش می‌کنند با کامل‌ترین نسخه تاکتیکی خود وارد اولین مسابقه شوند، نه اینکه پس از از دست دادن امتیاز، تازه به اصلاح ساختار دفاعی برسند. اگر استقلال منتشرشده از سوی کادر فنی را بپذیریم، این سؤال طبیعی‌تر هم می‌شود: آیا ایران نخستین مسابقه جام جهانی را با ساختاری آغاز کرد که بعدها خود کادر فنی به ناکارآمدی نسبی آن رسید؟

سوآلی که هنوز پاسخ روشنی ندارد

شاید هیچ‌وقت نتوان با قطعیت گفت اگر ایران از همان ابتدا با خط دفاع پایین‌تر و فاصله خطوط کمتر بازی می‌کرد، نتیجه دیدار مقابل نیوزیلند تغییر می‌کرد یا نه چرا که فوتبال، بازی «اگرها» نیست اما اسلاید منتشرشده توسط خود کادر فنی، یک واقعیت را روشن می‌کند: کادر فنی پس از بازی اول، ساختار دفاعی تیم را تغییر داده و معتقد است همین تغییرات باعث بهبود عملکرد دفاعی شده است.

همین گزاره کافی است تا نخستین تصمیم تاکتیکی ایران در جام جهانی دوباره زیر ذره‌بین برود؛ نه برای باز کردن پرونده‌ای قدیمی، بلکه برای پاسخ به این پرسش که آیا تیم ملی در حساس‌ترین تورنمنت فوتبال جهان، اولین گام خود را با بهترین نسخه ممکن برداشت یا نسخه‌ای که تنها بعد از ۹۰ دقیقه، نیاز به بازنویسی پیدا کرد؟



اگر انتقادپذیر نباشد تیم ملی نابود می‌شود.

توجیه الکی هم فقط تیم را به بیراهه می‌برد. نظراتان درباره صحبت‌های قلعه‌نویی در راستای نبود بازی‌های دوستانه و آمادگی در شرایط نامطلوب چیست؟ مگر بازیکنان در جبهه بودند یا شما را تیرباران کردند؟ قلعه‌نویی می‌گوید نیوزیلند بازی دوستانه با انگلیس داشت و ما نداشتیم. مگر نیوزیلند که با انگلیس بازی کرد به مرحله حذفی صعود کرد؟ تیم ملی در شرایط خوبی اردو داشته، زیر توپ و موشک که نبوده است. همیشه هم برای بازی‌های دوستانه مشکل داشته‌ایم و این اولین بار نیست که حالا فقط نبود بازی‌های تدارکاتی را بهانه می‌کنند. دوستان ادعا می‌کنند تیمشان باخت نداده است. بله درست است نیاختید اما اوت شدید. اسپانیا هم نیاخت اما قهرمان شد. فرق است بین نیاختن تا نیاختن. توجیه نکنید. می‌گویند رئیس فدراسیون در آمریکا نبوده مگر قرار بوده تاج تیم را رنج کند؟ فقط قرابروده پاداش دهد که به حساسیتان واریز شده است.

قلعه‌نویی معتقد است اینترا کرده است که با ۳۰ میلیارد سرمربی تیم ملی شده است. از نظر شما اینترا کرده است؟!

سرمربی تیم ملی بودن برای همه آدم‌های روی کره زمین افتخار است. اصلاً فارغ از فوتبال حتی سرمربی تیم ملی پیکینگ بودن هم موضوعی است که همه دوست دارند به آن برسند. اصلاً می‌گوییم حق سرمربی است. ما هم می‌دانیم که سرمربی دو برابر بازیکن پاداش می‌گیرد. اشکال ندارد اما قلعه‌نویی در برنامه زنده ادعا کرد که به فدراسیون گفته اول پاداش بازیکنان را بدهند اما همان وسط برنامه بازیکنان پیام دادند که پولی دریافت نکرده‌اند، درحالی که سرمربی پولش را گرفته است. این خیلی نکته زشت و ظریفی بود.

او در راستای پاداش ۱۴۰ میلیاردی هم عنوان کرد که «خودمان این پول را درآورده‌ایم».

می‌گوییم اصلاً خودشان این پول را درآورده‌اند و اشکالی ندارد. صحبت من این است که فاصله آریزون تا لس آنجلس ۵۵۵ کیلومتر بود و فاصله کمپ تیخوانا تا محل مسابقات ۲۴۵ کیلومتر بود که تفاوتش اصلاً زمان زیادی نیست. چرا الکی این موضوعات را بهانه می‌کنید و با احساسات مردم بازی می‌کنید؟ اصلاً قلعه‌نویی با اختلاف بهترین مربی ایران،

من احترام می‌گذارم و دوستش هم دارم اما

این مدل صحبت کردن فقط نشانه ضعف است. فنی جواب مردم و منتقدان را بدهید که زیپ دهان من بسته شود. اگر امثال خداداد عزیز و بزرگان دیگر صحبت نکنند، پس چه کسی باید صحبت کند؟ فوتبال چه ربطی به دین و آیین و سیاست دارد؟ می‌خواهید بارکنشی کنید؟ من به عنوان یک طرفدار از صحبت‌های ایشان ناراحت شدم.

درباره مصدومیت چشمی واکرت هم این گونه عنوان کرد که اگر به عقب برگردد باز هم این دو بازیکن مصدوم را به جام جهانی می‌برد. این اصرار بر اشتباه از کجا می‌آید؟

می‌گویند می‌دانستیم روزه ممکن است به دو، سه بازی اول نرسد و او را برای بازی مرحله بعد در لیست نکه داشتیم. این موضوع دو نکته دارد: اول اینکه پس شما برنامه‌ریزی برای صعود به مرحله بعد داشتی اما موفق نشدی. همچنین، چطور ممکن است بازیکنی را که به دلیل مصدومیت در سه بازی ابتدایی غایب بوده را بخواید در بازی چهارم فیکر کنید؟ اینقدر از دنیس درگاهی تعریف و تمجید کردند اما یک دقیقه هم بازی نکرد. اگر مصدوم شده باید خط می‌خورد و بازیکن دیگری را به جای او به جام جهانی می‌برند.

قلعه‌نویی همچنان زیربار جوانگرایی نرفت و باز هم جمله همیشگی‌اش را تکرار کرد: «جوانگرایی با تغییر نسل متفاوت است».

سؤال من این است که فرق جوانگرایی با تغییر نسل چیست؟ ایشان می‌گویند نمی‌شود جوانگرایی کرد و باید نسل عوض کرد. اما من متوجه نمی‌شوم منظورش چیست. دقیقاً می‌خواهید نسل را چکار کنید. این چیز که می‌گوید را هوش مصنوعی هم نمی‌فهمد. در کل مصاحبه خوبی نبود. اگر قصد دارید عملکرد یک تیم را آنالیز کنید حداقل باید یک منتقد هم حضور داشته باشد. میثاقی همان دو، سه سؤال انتقادی را هم که می‌خواست بپرسد قیلش اجازه می‌گرفت و می‌گفت اگر ناراحت نمی‌شوید بپرس(با خنده). اصرار بر اشتباهات، تصمیم و شعار قلعه‌نویی است و این ادبیات و این طرز فکر آزادنده است. با این فرمان تیم قلعه‌نویی در جام ملت‌ها دستاوردی خواهد داشت؟

امیر قلعه‌نویی باید بنشیند و با خودش فکر کند. او نباید بازیچه دست مشاورین و اطرافیانی باشد که به او آمار غلط می‌دهند و تضعیفش می‌کنند. تیم او باید در جام جهانی

با افکار عمومی بازی نکنید، جواب مردم را فنی بدهید

ویسی: قلعه‌نویی ۱۳ سال جام نیاورد

هیچ کدام از منتقدان تیم ملی وطن فروش و خائن نیستند

فائزه زمانی

خبرنگار

سرمربی تیم ملی بعد از مدت‌ها سکوت در برنامه زنده حاضر شد تا جواب انتقادها را داده و از عملکردش دفاع کند، اما هر پاسخ او یک سؤال تازه ساخت؛ از ماجرای پاداش ۱۴۰ میلیاردی که با سر بالا آن را به خود منتسب کرد، تا توجیه‌های بحث‌برانگیز درباره فهرست تیم، جوانگرایی، سفرهای طولانی و حتی پیوند زدن انتقادهای فوتبالی به موضوعاتی خارج از زمین. حالا عبدالله ویسی در گفت‌وگویی صریح، معتقد است مشکل اصلی تیم ملی نه نتایج، بلکه اصرار سرمربی بر نپذیرفتن اشتباهات است؛ مسیری که اگر اصلاح نشود، به اعتقاد او در جام ملت‌ها هم سرنوشت تیم ملی در جام جهانی تکرار خواهد شد.

سه ساعت صحبت قلعه‌نویی در آتن زنده آورده‌ای ما داشت؟

قبیل از هر چیز باید بگویم متأسفم که بزرگان فوتبال این مملکت این گونه به جان هم افتاده‌اند. از یک انتقاد ساده کوه می‌سازند و وارد زندگی شخصی افراد می‌شوند. یکی به ساعت این گیر می‌دهد، دیگری به گردنبدن آن می‌برد. این موضوعات برای فوتبال ما زشت است. پیشکسوتان فوتبال دنیا را با اینجا مقایسه کنید. بزرگان فوتبال اسپانیا یا همدلی بی‌ظنیری بازی تیم کشورشان را تماشا می‌کنند و وقتی گل می‌زند آنگونه خوشحالی می‌کنند اما اینجا نه تنها پیشکسوتان را به همراه خود نمی‌برند، بلکه دشمن تراشی هم می‌کنند. تازه طلبکار هم هستند. ۱۵ روز پیش گفتم که یک میزگرد شامل رسول کریمکندی، محمد مایلی‌کی، فیروز کریمی، حسین فرکی و هر کسی را که قبول دارید تشکیل دهید، صحبت کنید و ایرادات را برطرف کنید. من معتقدم قلعه‌نویی باید سرمربی بماند اما اگر انتقادپذیر نباشد و منتقدین را بکوبد، در جام ملت‌ها هم همین‌آش و همین کاسه می‌شود. اگر اتمال من حرف زنند، پس چه کسی باید راجع به فوتبال این مملکت حرف بزند؟ قلعه‌نویی مشاوران خوبی ندارد و تا این افراد دورش باشند، بهتر از این نمی‌شود. قلعه‌نویی موافقتش را مسلمان واقعی خطاب کرد و منتقدان را عاملین بخل و حسادت.

انتقاد بخل و حسادت نیست. انتقادها به